

((به نام پروردگاری که همه ما از او هستیم او از همه ماست))

چرا حکومت خدا و مردم سالاری دینی ، ناممکن ، خطرناک و ضد بشری است؟

(شناخته، نا شناخته، نا شناختنی) سه بعدی است که در این مقاله به آن می پردازیم تا از ویرای آن به روشنگری در باره جدایی دین از سیاست و مسئله حکومت خدا بپردازیم .

شناخته چیست ؟

در باره شناخته راحت می توان به شناسایی رسید. شناخته بر احوالی قابل هضم و درک است. هر آنچه که ما به طور شفاف با آن روبرو هستیم در بعد شناخته قرار می گیرد. تئوری های اثبات شده علمی، ابزار و فناوری که بشر با آن به زندگی تداوم می دهد. مثلا پرواز هواپیما مسئله ای است علمی که بشر توانسته با تجربه های علمی راز آنرا کشف کند و آن را از بعد نا شناخته به شناخته وارد کند .

نا شناخته چیست ؟

اصولا مقولات علمی در بعد نا شناخته هستند که پس از کشف و اثبات به بعد شناخته وارد می شوند. انسان در برابر نا شناخته از خود جسارت نشان می دهد. خاصیت نا شناخته این است که به ما احساس امید و شادمانی می دهد و انسان احساس قدرت و نشاط می کند. در دسترس انسان هست و می تواند به شناخته بدل شود. به دنیای نا شناخته نمی توان استناد کرد بلکه تنها می توان شاهد آن بود.

نا شناختنی چیست ؟

دکتر کارلوس کاستاندا در یکی از کتاب های خود از زبان مرشد و استاد باطنی اش ((دون خوان ماتیوس)) در باره ناشناختنی چنین می گوید: مقوله نا شناختنی توصیف نا پذیر، تعمق نا پذیر و درک ناپذیر است. چیزی است که هرگز بر ما شناخته نمی شود و با این حال وجود دارد. چیزی فریبنده و همزمان هولناک در بیکرانی اش. به همین خاطر هر گاه انسان وارد بعد نا شناختنی گردد نتایج آن مصیبت بار است:

- ۱- انسان احساس فرسودگی و گیجی می کند.
- ۲- مورد جور و ستم و وحشتناکی قرار می گیرد.
- ۳- جسم نیروی خود را از دست می دهد.
- ۴- عقل و هوشیاری بی هدف و سرگردان می شود. زیرا ناشناختنی به هیچ وجه خاصیت نیرو بخش ندارد.
- ۵- برای بشر دست نیافتنی است و به همین علت انسان نباید به طور احمقانه و یا حتی محتاطانه وارد آن شود .

نا شناختنی فراسوی توانایی ادراک بشری است و تشخیص نا شناختنی از شناختنی کاری بس مشکل است. اشتباه گرفتن این دو انسان را به هنگام رویارویی با نا شناختنی در وضع دشواری قرار می دهد.

باید دانست که سیاست و حقوق از مقولاتی هستند که در بعد شناخته قرار می گیرند. بشر باید برای گذران زندگی فردی و اجتماعی خود تکیه بر ((شناخته)) کند، بنابر این قوانین و ساختار های سیاسی بایستی با تکیه بر شناخته باشد. ما هیچگاه نمی توانیم برای پیش بردن نظام اجتماعی و خانوادگی وارد بعد نا شناخته یا نا شناختنی گردیم چرا که با سرگشتگی و ویرانی روبرو می شویم.

مقوله دین و در راس آن خدا در بعد نا شناختنی قرار می گیرد و بهمین رو بزرگترین مجهول کائنات همین مسئله است : (خدا)

همچنین باید دانست که خدا، هدف نیست و نمی تواند باشد. خدا فضایی هست و نیست را در بر می گیرد و چون بشر نمی تواند به فضای ((نیست)) وارد گردد و به درک آن نائل شود خدا هم نمی تواند هدف شود. بیان ((هدف الله)) است، سخنی گزاف و فاقد معنا و مفهوم است. اما از سویی دیگر خدا هست، اینجا ، اکنون و همه جا. به تعبیر زیبایی محی الدین ابن عربی، عارف مسلمان " خدا همه چیز را آفریده و خود، عین همه چیز است . ابر، باد، پرنده، درخت، کوه، آبشار و ... چیزی نیست که باشد و او نباشد. بنابر این خدا نمی تواند هدف باشد او وحدت همه اشیاء است " .

اما پرسش اینجاست که ما چگونه می توانیم يك تعريف شفاف و واحد از خدا ارائه کنیم ، تحقیقا و یقینا با نظر به آنچه در ابتدای این مقاله آمد نمی توان از خدا تعریفی واحد به دست داد و اساسا سرگردانی بشر در طول تاریخ که همراه با

جنگها و خون ریزی ها بوده از همین نقطه سرچشمه می گیرد . هر فرد ، هر امت و هر ملتی يك برداشت و يك نگرش از خدا و آن فضای ناشناختنی دارد و به قول مولانا :

هر کسی از ظن خود شد یار من
از درون من نجست اسرار من

اما باید دانست که ویژگی مهم در دین سر سپردگی و بندگی است. مرید و پیرو بایستی فرمان رهبر دینی اش را پذیرا گردد. و پرسش اینجاست که چه تضمینی هست که آن رهبر دینی خود گرگی در لباس میش نباشد؟ غالباً رهبران دینی می گویند سرسپردگی و تسلیم به خداوند و در این میان بعضاً متون مقدس را اصول و راهنمای خود می دانند کتب مقدسی که هر کس بر آن تکیه و تفسیر خود را دارد. تجربه های دینی هیچگاه تضمین شده نبوده و نخواهد بود از این رو که قلمرو آن ((ناشناختنی)) است .

حال با این تفاسیر به کلمه و واژه ((جمهوری اسلامی)) که تداعی کننده مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی است توجه کنید. جمهوریت در قلمرو سیاست امری شناخته شده است هر چند که جمهوریت بدیل های گوناگون دارد اما همه این بدیل ها در قلمرو شناخته قرار دارند. اما واژه ((اسلامی)) که يك دین را تداعی می کند و از خدا سخن می گوید در بعد ناشناختنی قرار می گیرد و از این رو هست که ترکیب این دو واژه ((جمهوری و اسلامی)) موجب نا هنجاری سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی دینی و مذهبی در يك جامعه میشود و از سویی دیگر موجب بحران در هویت فردی و اجتماعی يك ملت می شود. بر اساس آنچه گفته شد خدا را هرگز نمی توان از بعد ناشناختنی خارج و به بعد شناخته وارد کرد. به اعتباری خدا را نمی توان سیاسی کرد چه اینکه اگر چنین شود خدا دیگر خدا نخواهد بود. به همین رو این گفته مدرس که سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست نمایانگر سست بودن و بی پایه بودن این تفکر است ، تفکری ساده لوحانه که گویی می تواند آب و روغن را با هم مخلوط و حل کند. حال بنگرید در ۲۵ سال حکومت جمهوری اسلامی جمیع آیت الله های سیاسی و در راس آنان خمینی چگونه با زور، سیاست که مقوله ای شناخته شده است را وارد حوزه نا شناختنی دین و خدا کرده اند. حال در ادامه به سه بخش از قانون اساسی جمهوری اسلامی می پردازیم که به تمامی در فضای نا شناختنی قرار می گیرند.

اصل اول - حکومت ایران ، جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیه الله العظمی امام خمینی در همه پرسه دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ با اکثریت ۹۸/۲ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت دادند .

اصل دوم - جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به :

- ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در بیان قوانین .
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح .

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه : الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین . ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن ها . ج- نفي هر گونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری ، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین کند .

اصل سوم - در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی ، آگاه به زمان ، شجاع ، مدیر و مدبر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده دار آن میگردد.

همچنان که می بینید تمامی این سه اصل که پایه نظام جمهوری اسلامی بشمار می آید در بعد ناشناختنی قرار می گیرند و تمامی دیگر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار می دهند . بدین رو اساس و بنیان زندگی ملت ایران بر پایه قوانین موهن و موهوم شکل گرفته و می گیرد. دقیقاً همین موارد ((ناشناختنی)) در قانون اساسی جمهوری اسلامی تمامی کشور را نا خواسته بسوی اهریمن و تباهی هدایت کرده است. حال چند اصل از قانون اساسی فرانسه و ایتالیا که از نظر موضوعی موازی با اصول یاد شده هستند اما از نظر محتوی کاملاً متفاوتند را نام می برم . حکومت فرانسه و ایتالیا غیر دینی هستند و قانون اساسی آن ها در بعد((شناخته)) قرار می گیرد .

اصل اول از قانون اساسی جمهوری ایتالیا :

- ایتالیا جمهوری دموکراتیک و مبتنی بر کار است .
- حاکمیت متعلق به مردم می باشد که بر طبق قواعد در حدود مقرر در قانون اساسی اعمال می گردد .

اصل یکم از قانون اساسی جمهوری فرانسه :

- فرانسه یک جمهوری غیر قابل تجزیه ، غیر مذهبی (لائیک) ، دموکراتیک و اجتماعی است. جمهوری برابری همه شهروندان را در مقابل قانون بدون تبعیض از نظر اصالت خانوادگی ، نژاد و مذهب تضمین می نماید و همه اعتقادات را محترم می شمارد .
- اصل دوم : شعار جمهوری آزادی ، برادری و برابری است . اساس آن حکومت مردم توسط مردم و برای مردم است .
- اصل سوم : حاکمیت متعلق به مردم است که آن را توسط نمایندگانش و از طریق همه پرسی اعمال می نماید . هیچ بخشی از مردم و هیچ فردی نمی تواند اعمال این حق را از آن خود بداند .

می بینید که همه اصول یاد شده در ایتالیا و فرانسه شفاف و شناخته شده است و چیزی را به فضای ناشناختنی (خدا و دین) وارد نمی کند .

در قانون اساسی جمهوری اسلامی چند اصل تغییر ناپذیر عنوان شده است :

- ۱- اسلامیت نظام
- ۲- جمهوریت نظام
- ۳- اصل ولایت فقیه
- ۴- دین و مذهب رسمی کشور .

از میان چهار اصل بالا فقط اصل دوم در حوزه شناخته قرار می گیرد و سه اصل دیگر ناشناختنی محسوب میشود، در چنین شرایطی همواره موضوعات شناخته تحت الشعاع موضوعات ناشناختنی قرار می گیرند و از بین می روند. هم چنان که بسیاری از قوانین مردمی و دموکراتیک در قانون اساسی تحت تاثیر همین سه اصل (اسلامیت نظام ، ولایت فقیه ، دین و مذهب رسمی کشور) از بین رفته اند . این پرسش اساسی برای همه ایرانیان مطرح است که چرا حکومتی که هدفش تعالی و رسیدن به خدا بود بر عکس به کشور و حکومتی اهریمنی تبدیل شد؟ راز در فهم و درک همین سه بعد است (شناخته ، ناشناخته ، ناشناختنی) . نباید در عرصه سیاست که بایستی کاملا شفاف ، عینی و شناخته باشد ، پا به عرصه ناشناختنی نهاد . فضای ناشناختنی هستی ونیستی را تمام و کمال در بر می گیرد و معمولا انسان در این فضا بسوی ناقیقت ، تیره گی و اهریمن جذب می شود . حال کاملا شفاف می دانیم که چرا و چگونه نیروی اهریمن بر کشور ، مردم و سران حکومت حاکم گردیده است . ما حاصل این شرایط : جنگ ، بی قانونی ، فقر ، ترس ، ریا ، دروغ ، حرام خواری ، جهل ، ظلم پذیری و... بوده است . شرایطی که به زعم نگارنده نه تنها کشور و ملت را قربانی خود کرد بلکه سران حکومت و دولت را در این بیست و پنج سال بعنوان انسان هایی فرصت طلب قربانی فضای ناشناختنی نمود .

پلکان هستی بی انتهاست . کائنات خداوند را پایانی نیست . او مطلق ، ازلی و ابدی است فضای او هراسناک و پر از مجهولات دست نیافتنی است. در این پلکان بی انتهای هستی انسان نمی تواند به شناسایی خدا دست یابد چرا که او ناشناختنی است. شاید ما بتوانیم با کوشش های بی بدیل به شناخت خود نائل شویم اما شناخت او هرگز. بدین رو حکومت خدا یک امر غیر ممکن خطرناک و ضد بشری است. یک توهم ، یک خیال ، یک آرزوی دست نیافتنی است و شکست آن محتوم است. بشریت با هر دین و آئینی فقط می تواند از طریق طی کردن راههای خردمندانه ، شفاف و علمی یعنی با ورود به بعد شناخته با رای و نظر جمعی به صلح ، آزادی و عدالت آنها نه کامل بلکه نسبی در یک حکومت غیر دینی دست یابد. بدین رو ملت ایران نباید ساده لوحانه تن به ایده هایی چون مردم سالاری دینی ، ولایت فقیه و حکومت و انقلاب اسلامی بدهد. بیست و پنج سال رنج و تباهی برای اینکه این فضای ناشناختنی را تجربه کنیم کافی است . اکنون وقت آن رسیده که همه مردم ایران در عرصه سیاست و اجتماع پا به فضای ((شناخته)) بگذارند و تاریکی را به نور مبدل سازند. ورود به میدان دین و تجربه فضای ((ناشناختنی)) حق هر انسانی است اما هیچ کس حق ندارد این تجربه و این سفر را به جمع یک ملت یا یک جهان تعمیم داده و به زور تجویز کند چرا که راه های اصل شدن به خداوند به عدد تمامی انسانهاست.

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kavivani.com/parsi](http://derafsh-kavivani.com/parsi)

derafsh-kavivani.com

